



### روایت خورشید

واکاوی سیره سیاسی - حکومتی امام خمینی (ره) در سخنان رهبر معظم انقلاب در بیش از ۳ دهه گذشته

### ۳۰ وعده امیدوار کننده الهی که باید به آنها ایمان داشت

رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۴ خرداد:



# هلمشهری سیاسی

**یکم**  
آیا سخنان رهبری درباره امید و ایمان سبک گلایه‌های ما از مشکلات را تغییر می‌دهد؟



**دوم**  
برای پاسخ به این سؤال باید تفاوت ۲ چیز را بدانیم؛ امیدهای مرسوم و امید ایمانی.

**سوم**  
امید متداول چیست؟ امیدی که می‌گوید اگر مقدمات فراهم باشد نتیجه نیز حاصل می‌شود.

**هفتم**  
حالا ثمره فهم تفاوت این دو چیست؟

**نهم**  
مثل چی؟ من یتق الله يجعل له مخرجا و برزقه من حيث لا يحتسب یا مثل اینکه: ادعونی استجب لکم.

**پنجم**  
اما امید ایمانی چیست؟ فراتر از علل و عوامل طبیعی نیز سنت‌هایی داریم که حاکم بر این مقدمات است.

**چهارم**  
مثل چی؟ اگر دانه باشد و آب و خاک مناسب و نور خورشید و باغبان و سم‌زدایی هم باشد امید است جوانه بزند.

درباره نسبت گلایه‌های ما از مشکلات کشور با سخنان رهبر معظم انقلاب

## ما مخاطب رهبری هستیم؟

**هشتم**  
اثرش این است که امور ظاهری برای کسانی که توجه به آن قواعد برتر و حاکم دارند به گونه دیگری محاسبه می‌شود. یعنی نظام محاسباتی مان تغییر می‌کند.

**نهم**  
ساده‌تر هم می‌شود گفت؟ بله. این افراد زمانی که با موانعی از سمت علل مادی مواجه می‌شوند مأیوس نمی‌شوند.

**دهم**  
از این بالاتر هم هست؟ بله. این افراد می‌دانند که فراتر از علل طبیعی عواملی است که به آنها قدرت و سرعت می‌دهد.

**یازدهم**  
تغییر نظام محاسباتی یعنی همین.

**چهاردهم**  
البته این یک شرط مهم دارد و آن چیست؟ کم و کسری‌های ظاهری، ناشی از تنبلی و سستی ما نباشد بلکه ناشی از نقص‌های طبیعی، قصورها، موانع و دشمنی‌ها باشد.

**سیزدهم**  
توضیح جمله حاج قاسم چیست؟ پشت سر تهدیدات ظاهری یک عامل قوی‌تر هست که تهدید را فرصت می‌کند.



**دوازدهم**  
یک جمله از حاج قاسم سلیمانی برای فهم ساده‌تر این نظام محاسباتی: فرصتی که در دل تهدیدها هست در خود فرصت‌ها نیست.

**پانزدهم**  
و رمز اساسی تحقق این امید حرکت است؛ حرکتی که بر اساس محاسبات ایمانی و توجه به سنت‌های الهی در نصرت مومنین باشد. اینجاست که پیروزی قطعی است.

**شانزدهم**  
برگردیم به سؤال اول؛ آیا سخنان رهبر انقلاب تفاوتی در سبک نقدهای ما ایجاد می‌کند؟

**هفدهم**  
بله. خروجی نقد ما نباید ناامیدی از اصلاح باشد. چرا؟ چون کشور در حال حرکت است و نقص‌ها نه از سر نخواستن، بلکه ناشی از موانع طبیعی حرکت است.



**بیستم**  
با این مقدمه، اگر نقدها و گلایه‌های ما منجر به ناامیدی خود یا دیگران از وضع موجود شود مطابق با راهبرد امیدهای ایمانی نیست.



**نوزدهم**  
اینجاست که وقتی مشکلی می‌بینیم با توجه به نصرت حق بر این مردم باید امیدوار بود و صرفاً در موانع حرکت این مردم متوقف نشد.

**هجدهم**  
مردم و این نظام ایمانی‌اند؛ چهل و اندی سال است که در حال حرکتند. بنابراین سنت‌های الهی حاکم بر حرکت این کشور است. پس مشکلات قابل اصلاح است.

### روز شمار

#### روح خدا در جماران

از پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت تا ۱۴ خرداد سال ۶۸، روزهای نگران‌کننده‌ای بر مردم ایران گذشت. این روزها و شب‌ها را باهم مرور می‌کنیم.

پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت خون‌ریزی در دستگاه گوارش امام (ره) شروع می‌شود. پزشکان بلافاصله ایشان را معاینه می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که از خم در معده امام (ره) وجود دارد. بلافاصله انجام آزمایش‌های مختلف در دستور کار تیم پزشکی ویژه‌ای قرار می‌گیرد.

یکشنبه ۳۱ اردیبهشت به حاج احمد آقا گفته می‌شود که پدرشان هر چه زودتر باید جراحی شوند. میزان خون‌ریزی دستگاه گوارش امام (ره) در حال افزایش است.

سه‌شنبه ۲ خرداد صبح زود امام (ره) به اتاق عمل برده می‌شوند. عمل جراحی توسط دووربین مدار بسته در خارج از اتاق عمل به تصویر درمی‌آید. جراحی کمتر از ۲ ساعت طول می‌کشد. مسئولان تصمیم می‌گیرند که همین امروز مردم را در جریان عمل جراحی موفق امام (ره) قرار دهند.

چهارشنبه ۳ خرداد حال امام بعد از جراحی بهتر است. حالا مردم هم خبردار شده‌اند و موج نگرانی در جامعه دیده می‌شود. چند تن از مسئولان کشور همراه حاج احمد آقا به دیدار امام می‌آیند. لوله‌ای که روز قبل در نای امام (ره) قرار گرفته بود، امروز برداشته می‌شود تا ایشان صحبت کنند.

یکشنبه ۷ خرداد به‌نظر می‌رسد که حال امام (ره) رو به بهبودی است. امروز هیچ مشکلی برای ایشان پیش نیامده است و فقط یک‌بار دچار کاهش فشار خون شده‌اند که طبیعی است. حضار در بیمارستان می‌گویند که امام (ره) امروز نماز را با وضو خوانده و شب کمی غذا خورده‌اند.

دوشنبه ۸ خرداد ناگهان وضع جسمی امام (ره) دچار تغییر شده است. امروز اصلاً خوب نیست. مسئولان کشور و اطرافیان امام (ره) نگران شده‌اند. وضع تنفسی و ریوی امام دچار مشکل شده است و پزشکان برای جلوگیری از اختلالات کلیوی برای دستشان برنمی‌آید.

چهارشنبه ۱۰ خرداد حال امام (ره) همچنان ناگوار است و هیچ تغییری در وضعیت جسمی ایشان مشاهده نمی‌شود. لحظه‌اوضاع بدتر می‌شود. معاینه‌های پزشکان از پیشرفت بیماری اصلی حضرت امام خبر می‌دهد. شیمی‌درمانی در دستور کار تیم پزشکی بیمارستان جماران قرار می‌گیرد.

شنبه ۱۳ خرداد دفع ادرار به کلی مختل شده است. نواز قلب تغییرات بدی را نشان می‌دهد. امام (ره) با این وضعیت، نماز ظهر و عصر را می‌خوانند. ساعت ۱۳ بعد از ظهر یک ایست قلبی پیش می‌آید. با تلاش پزشکان، قلب دوباره فعال می‌شود. ساعت ۱۲:۲۰ امام (ره) دعوت حق را لبیک می‌گوید.

یکشنبه ۱۴ خرداد محمدرضا قاضی‌حیاتی، مجری خبر صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۷ صبح پشت میکروفن قرار می‌گیرد و با صدای بغض آلود می‌گوید: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. انالله و اننا الیه راجعون. روح خدا به ملکوت اعلی پیوست.» جامعه در بهتی عظیم فرو می‌رود.

### مطالبه و نقد کنیم یا امیدآفرینی؟

سخنان رهبری حکیم در باره قدرت «ایمان‌و امید» برای تقابل با همه ابزارهای سخت رسانه‌ای و نظامی و امنیتی دنیای معاصر را شنیدیم؛ ایمان به خدا، به هدف، به راه و به مردم و نقش آن در ایجاد امید. سؤال این است که خب، هر کسی ممکن است بگوید من نقد افراد و نهادها و روال‌ها می‌کنم، این ایمان‌ها و امیدها را هم دارم. این سخنان چه ویرایشی به نقد و مطالبه کردن‌ها و هشدار دادن‌های من خواهد زد؟ از سوی دیگر آیا این سخنان یعنی هیچ نقد کردنی و آفت‌سنجی و هشدار دادنی انجام نگیرد؟

واقعیت آن است که آنان که چرخ‌دنده‌های این سخنان را درگیر با چرخ‌کنش‌ها و مطالبات و گفت‌وگوهای خود نمی‌بینند و آنان که هر نقدی و هشدار را به دلیل ایجاد ناامیدی مردم می‌دانند، هر دو دارای یک خطای مهم نگرشی و بینشی هستند. آن خطا چیست؟

اینکه ما تفاوت «امیدهای متداول» و معمول را با «امیدهای ایمانی» نمی‌دانیم. امیدهای معمول و متداولی که همه مردم در دنیا دارند، چگونه است؟ اینگونه است که اگر مقدمات یک نتیجه‌ای را مهیا ببینند، بر اساس قواعدی که می‌شناسند، امید دارند که به نتیجه برسند. مثلاً اگر شما یک دانه گیاه را بکارید، آب و خاک و هوا و همه امور هم مناسب باشد و راه باغبانی و مراقبت از آن گیاه را بلد باشید، امید دارید که آن دانه سبز شود. هر چه مقدمات بیشتری فراهم باشند، امید شما هم بیشتر می‌شود و هر چه این مقدمات کمتر باشد، امید شما هم کمتر می‌شود. امید غیر از میل و رغبت به حصول نتیجه است. اگر تمایل به نتیجه‌گیری باشد و امید نباشد، آدم‌ها احساس یأس و افسردگی می‌کنند و یأس و افسردگی عامل اصلی سکون و بی‌عملی خواهد بود. آیا امیدهای ایمانی شکل دیگری دارد؟ مثلاً امیدهای ناشی از ایمان قواعد نتیجه‌گیری را به رسمیت نمی‌شناسد؟ یا مثلاً علت‌ها و مقدمات نتیجه‌گیری را کنار می‌زند؟ نه، هیچ‌یک از اینها نیست. پس چیست؟

بگذارید در قالب مثالی توضیح دهیم: قواعد پزشکی درباره بدن انسان را در نظر بگیرید. یک پزشک می‌تواند رفتارهای انسان را بر اساس این قواعد توضیح دهد که مثلاً مغز چه می‌کند، اعصاب چه می‌کنند و سپس عضلات بدن مثلاً چه کار می‌کنند تا یک رفتار انجام شود.

حالا سؤال این است که آیا قواعد روان‌شناسانه یا قواعد مربوط به فهم یا اراده انسان این قواعد را نفی می‌کنند؟ خیر. آیا این قواعد در کنار آن قواعد مطرح است؟ باز هم نه. اراده یا علم اساساً امری نیستند که قابل مشاهده باشند و در کنار امور مربوط به جسم و ظاهر مطرح شوند.

پس چه نسبتی بین این دو نوع قاعده وجود دارد؟ می‌گوییم یکی حاکم بر دیگری است. مثلاً معنادی که او را به‌زور ترک داده‌اند با اینکه سسوم اعتیاد از بدنش خارج شده، اما چون خودش عزم و اراده ترک کردن ندارد، وضعیتش بدتر است از معنادی که هنوز ترک نکرده است و سموم در بدنش هستند اما عزم و اراده جدی کرده که ترک کند.

بگذارید مثالی قرآنی را مرور کنیم. این آیه را شنیده‌اید: «من یتق الله يجعل له مخرجا و برزقه من حيث لا يحتسب.» پس این آیه بین تقوای الهی و رزق و ربطی رابطی روشن وجود دارد. اگر تقوا زیاد شود، رزق هم زیاد می‌شود. ولو شما نتوانید حساب کنید که این رزق از کجا و چگونه به‌دست شما می‌رسد.

در اینجا قاعده‌ای وجود دارد که حاکم بر قواعد عادی رزق و روزی است که ما می‌شناسیم و با چشم ظاهری محاسبه می‌کنیم. حالا برگردیم به سؤال مان: امیدهای ایمانی چه تفاوتی با امیدهای متداول و معمول ما دارد؟ پاسخ آن است که امیدهای ایمانی علل و عوامل و قواعدی را ملاحظه می‌کند که حاکم بر علل و عوامل و قواعد ظاهری است که همه می‌بینیم. ممکن است بگویید خب، این چه اثری دارد؟ اثرش این است که امور ظاهری برای کسانی که توجه به آن قواعد برتر و حاکم دارند، به‌گونه دیگری محاسبه می‌شود و نظام محاسباتی آدم‌ها بر این اساس تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مثلاً این قاعده کلیدی را توجه کنید: «ادعونی استجب لکم» اگر دعا کنید، اجابت می‌شوید. الان برخلاف امیدهای متداول که در آن بین میل ما و نتیجه‌گیری ما رابطه‌ای نیست، طبق این قاعده بین میل ما و نتیجه‌گیری ما رابطه روشنی وجود دارد. یعنی اگر شما از خدای متعال درخواست کنید به شرط آنکه این درخواست واقعی باشد (به تعبیر قرآن اجیب دعوه السداع اذا دعان) یعنی براساس عمل کنید و همه توان و قدرت خود در عمل و در نظر و اندیشه پای کار بیاورید و از خدا بخواهید، حتماً نتیجه خواهید گرفت؛ یعنی اراده الهی وارد عمل می‌شود و فرج حاصل می‌آید. ادامه در صفحه ۱۸

می‌شود. این فرج بعد از آن ضمه ۱۸ است که تمام توان خود را به کار گرفتید و از خود و توان خود مأیوس شدید.